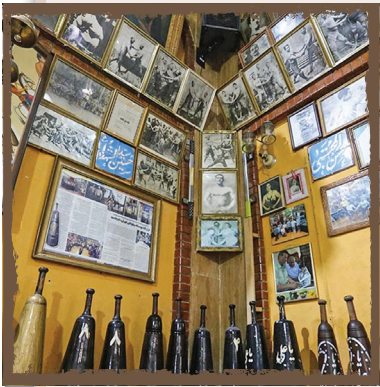


حکایت آب‌انبار و حمام قدیمی و مرده‌شوی خانه

مرگ غم‌انگیز پهلوانی که در برابر ارباب‌ها ایستاد



■ موضوع: اکبر طرشتی

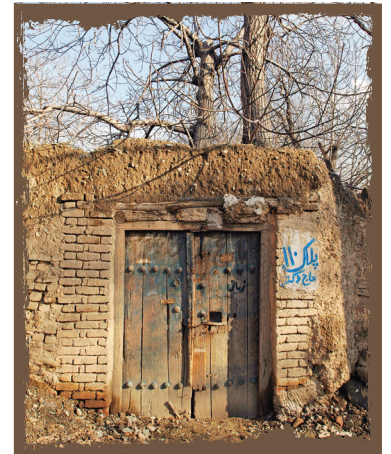
ویژگی: بانی کارهای خیر و حامی حقوق رعیت

طرشت از روزگار قدیم با نام و سبک زندگی بسیاری از ورزشکاران مشهور پایتخت عجین بوده و برخی ورزشکاران نامی تهران در دل همین محله رشد کرده‌اند و به مدارج بالای ورزش ایران رسیده‌اند. اکبر زمانی را که به پهلوان اکبر طرشتی مشهور شده بود هم می‌توان در ردیف همین ورزشکاران دسته‌بندی کرد.

پهلوان اکبر خان طرشتی که اصالت طرشتی داشت، هرگز موفق به بستن بازو و بند پهلوانی پایتخت نشد، اما از معروف‌ترین پهلوانان دوره پهلوی اول بود که بارها با پهلوانان معروف زمانه خودش سرشاخ شده بود. قدیمی‌های طرشت روایت می‌کنند که پهلوان طرشتی در جوانی آنقدر به ورزش پهلوانی علاقه داشت که بارها به سبک عیاران تهران قدیم، یک لنگ دور کمرش می‌بست و یک گردنبند از انجیر خشک برای خوراک بین‌راه دور گردش می‌انداخت و پای پیاده برای زیارت حرم حضرت معصومه (ع) راهی قم می‌شد. حاج محمدباقر حسینمردی، از اهالی قدیمی محله طرشت درباره سلوک پهلوان اکبر طرشتی می‌گوید: «علاقه اکبر خان طرشتی به ورزش باستانی بر کسی پوشیده نبود و گاهی اوقات اهالی طرشت او را همراهی می‌کردند. همین ماجراها موجب شد تا سال‌ها بعد از فوت پهلوان اکبر طرشتی، اهالی محله زورخانه‌ای در یکی از باغ‌های طرشت ایجاد کنند.»

پهلوان اکبر طرشتی به زورخانه‌های معروف پایتخت مثل زورخانه پهلوان پور، نیرو و شادی می‌رفت و گاهی اوقات در مسابقات کشتی پهلوانی شرکت می‌کرد. وقتی اکبر خان در اوج قرار داشت پهلوان مصطفی طوسی در تهران حرف نداشت و بازو و بند پهلوانی را بر بازو می‌بست. محمدباقر حسینمردی، پهلوان اکبر طرشتی را یکی از عیاران تهران قدیم می‌داند: «اکبر خان معمولاً بانی کارهای خیر بود و برای کمک به فقرا و نیازمندان گل‌ریزان برپا می‌کرد؛ به همین دلیل بین اهالی طرشت احترام فراوانی داشت. او سال‌ها قهرمان یا به عبارتی پهلوان منطقه طرشت بود، اما از آنجا که بیشتر وقتش را صرف کارهای خیر و عام‌المنفعه می‌کرد، مجال آماده‌سازی برای جدال با قهرمانان بزرگ پایتخت را پیدا نکرد.»

پهلوان طرشتی سال ۱۳۲۰ و به‌خاطر اختلاف‌های قومی-قبیله‌ای که آن سال‌ها در قریه‌های اطراف تهران رواج داشت به قتل رسید. گفته می‌شود که او قربانی برخی اختلافات ملکی شد. اما یک روایت دیگر این است که پهلوان طرشتی بارها برای احقاق حق رعایا در برابر ارباب‌ها ایستاد و همین موضوع موجب شد برایش دشمن تراشی کنند و در یک نزاع دسته‌جمعی او را به قتل برسانند.



■ موضوع: حمام آسیا و آب‌انبار شیخ عبدالله ویژگی: تنها حمام و آب‌انبار محله

ورود به یکی از ۴ آب‌انبار طرشت به خزینه سرازیر بود. از آن مهم‌تر، چون حمام از ساروج ساخته شده بود، اصلاً خرابی نداشت؛ برای همین اهالی پولی برای حمام در خزینه پرداخت نمی‌کردند و این موضوع خیلی به چشم می‌آمد. تیرماه هر سال زمان خرمن‌کوبی، یک نفر برای جمع کردن سرانه حمام به خانه‌های اهالی سر می‌زد و مقدار مشخصی از کشت آن سال آنها را در ازای استفاده یک سال از خزینه می‌گرفت. با ساخت گرمابه آسیا برخی اهالی از اینکه باید برای استحمام پول بدهند، شاک می‌شدند و استفاده از دوش را هم نمی‌پسندیدند؛ چون قبلاً در خزینه جلوی حسینیه، آقایان از غروب خورشید تا طلوع و خانم‌ها از صبح زود تا مغرب می‌توانستند از حمام استفاده کنند. همین شد که حاج علی ارباب در قسمت پایینی حمام، با خراب کردن ۳ دوش یک خزینه ساخت، اما به مرور و در سال‌های دهه ۵۰ اداره بهداشت استفاده از خزینه را قندغن کرد؛ چون آن زمان بیماری‌های پوستی و کچلی شیوع پیدا کرده بود.

حمامی که بعد از گذشت این سال‌ها هنوز سرپا و فعال است، حسینمردی درباره این حمام قدیمی می‌گوید: «از مسجد جامع امام حسن عسکری (ع) که ۸۰۰ سال قدمت دارد تا انتهای بلوار تیموری فعلی، همگی جزو زمین‌های حاج علی ارباب بود. او یکی از ۴ ارباب طرشت و مرد خیری بود. گرمابه اصلی طرشت یا خزینه، جلوی حسینیه طرشت قرار داشت که حالا به محلی برای پارک خودروها تبدیل شده است. با این حال، اگر زمین آن را حفر کنند، خزینه را خواهند دید. بعد از از بین رفتن خزینه، مردم به گرمابه دیگری نیاز داشتند که حاج علی ارباب آن را ساخت؛ حمامی بسیار بزرگ، شیک و شهری که برایش دوش گذاشت و نمونه‌اش را کسی در آن دوران ندیده بود. جالب است بدانید استفاده از خزینه، سرانه داشت؛ یعنی هر کدام از اهالی یا توجه به تعداد جمعیت‌شان باید گندم، جو یا قالاقا می‌دادند. شخصی که هیزم‌ها را رایگان از باغ‌ها برمی‌داشت، آتش حمام را روشن می‌کرد تا آب آن داغ شود. آب هم از قناتی تامین می‌شد که بعد از

حدود ۸۰ سال قبل، آب‌انباری روبه‌روی بقعه شیخ عبدالله طرشتی قرار داشت که مردم از آب آن برای آشامیدن استفاده می‌کردند. حاج رضا حسینمردی، از اهالی قدیمی محله می‌گوید: «وقتی کودک بودم دست مادرم را می‌گرفتم و از پله‌های آب‌انبار پایین می‌رفتم. آب‌انبار حدود ۴۰ پله زیر زمین قرار داشت. مردم از آب آن برای شستن اموالتشان هم استفاده می‌کردند. مرده‌شوی خانه‌ای کنار آب‌انبار بود. آن زمان تعدادی از افراد محلی کنار بقعه دفن می‌شدند و همانجا مراسم تدفین آنها انجام می‌شد. بعدها مرده‌شوی خانه را خراب کردند. آب‌انبار نیز زیر خاک مدفون شد. همچنین در این محله یک حمام قدیمی وجود داشت. اکنون بیش از ۷۰ ساله است. حمام مدرن و شیک محله طرشت توسط مرحوم علی زارع، یکی از ساکنان طرشت، می‌گذرد؛

یادگارهای ماندگار نوش‌آفرین خانم

■ موضوع: موقوفات نوش‌آفرین خانم

ویژگی: بانوی واقف محله سنگلج اراضی خود را در طرشت وقف مردم کرد

نوش‌آفرین خانم نیز دستی در سنت وقف داشت و از او با عنوان واقف مدرسه مروی یاد می‌شود. زمانی درباره دیگر موقوفات نوش‌آفرین خانم در محدوده آبادی طرشت می‌گوید: «گر از آسیاب کهک که توسط نوش‌آفرین خانم برای کمک به نیازمندان وقف شد، بگذریم، باید به اراضی اطراف آسیاب کهک اشاره کنیم که از موقوفه‌های آموزشی این بانوی نیکوکار بوده است. اعیان این موقوفه آموزشی اکنون در اجاره بنیاد فرهنگی البرز قرار دارد و این بنیاد در موقوفه نوش‌آفرین خانم یک مدرسه راهنمایی ۱۶ کلاس برای تحصیل دانش‌آموزان محدوده منطقه ۲ ساخته است.» زهرا تیموری، یکی از اهالی قدیمی طرشت، درباره مدرسه نوش‌آفرین خانم می‌گوید: «دبستان نوش‌آفرین خانم که موقوفه این بانوی نیکوکار بود، نخستین مدرسه طرشت به شمار می‌رود که در دهه ۳۰ پس از آن در این مدرسه که بنایی قدیمی داشت، درس خواندند.»

بود، نوش‌آفرین خانم بخشی از املاک خود را برای کمک به نیازمندان و بخشی دیگر را برای برگزاری مراسم سیدالشهدا (ع) وقف کرد.

علیرضا زمانی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «نوش‌آفرین خانم عباسقلی، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بانوان واقف تهران، املاک بسیاری را در محدوده غرب تهران و آبادی طرشت وقف کرد. او اگر چه در محله سنگلج تهران زندگی می‌کرد، اما اراضی وسیعی در محدوده غرب تهران داشت؛ اراضی‌ای که اکنون در محدوده منطقه ۲ شهرداری قرار دارد، اما آن روزگار بخشی از آبادی‌های غربی پایتخت بود. براساس وقف‌نامه‌ها، پلاک ۹۵/۲۳ وقفی غرب تهران به این بانوی خیر تعلق دارد که بخشی از اراضی محله‌های طرشت، مرزداران، مهرآباد و ستارخان را دربرمی‌گیرد.» گویی سنت حسنه وقف در خانواده این بانوی واقف، موروثی بود. قمرالسلطنه، دختر

